موضوع: دلالت آيه ولايت بر امامت اميرالمومنين (ع)

اشکالات ابومریم اعظمی بر علامه شرف الدین

سخن در باره بررسی اشکالاتی بود که بر آیه ولایت وارد شده که از جمله آنها اشکال ناسازگاری سیاق است با ولایت به معنای زعامت است. این اشکال و پاسخ آن بیان شد. ابومریم اعظمی ناقد المراجعات چند اشکال بر کلام علامه وارد کرده که در ادامه به نقل و نقد آن می پردازیم.

اشکال اول:

شیعیان به حدیث ثقلین استناد می کنند و از این طریق می گویند از آنجا که منزلت اهل بیت (ع) طبق این حدیث همانند منزلت قرآن قرار داده شده است و در قرآن باطل راه ندارد، در مورد اهل بیت (ع) نیز باطل راه ندارند و آنان معصومند. اما اشکال این سخن آن است که علمای آنان قائل به تحریف قرآن شده اند و در این صورت با قرین قرار دادن اهل بیت (ع) در کنار قرآن نمی توان عصمت آنان را نتیجه گرفت. اگر نیز آنان همچنان بر سخن خود مبنی بر عصمت اهل بیت (ع) پا بر جا باشند به این معنا است که آنان منزلت اهل بیت را فراتر از قرآن می دانند.

نقد و ارزیابی

در این باره چند نکته قابل توجه است:

اولا: اینکه قول به تحریف در میان شیعه قولی قلیل است و اکثریت علمای شیعه قائل به عدم تحریف قرآن هسند.

ثانیا: مرحوم علامه از جمله کسانی است که قائل به عدم تحریف قرآن است کما اینکه در کتاب «الفصول المهمه» خویش آن را بیان کرده است .

ثالثا کسانی که قائل به تحریف هستند قائل به تحریف نقیصه اند و الا مساله عدم تحریف به زیاده در میان شیعه اجماعی است. تحریف به نقیصه نیز عمدتا در مورد مساله ولایت بوده و عالمان شیعه در توجیه آن گفته اند مراد از این روایات بیان تنزیل قرآن نیست بلکه بیان تاویل آیه و باطن و حقیقت آن است. به عنوان نمونه در روایت آمده است

در روایت امام صادق (ع) چنین آمده است: «قَالَ اللَّهُ وَ كَذلِكَ جَعَلْناكُمْ أُمَّةً وَسَطاً لِتَكُونُوا شُهَداءَ عَلَى النَّاسِ وَ يَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيداً فَإِنْ ظَنَنْتَ أَنَّ اللَّهَ عَنَى بِهَذِهِ الْآيَةِ جَمِيعَ أَهْلِ الْقِبْلَةِ مِنَ الْمُوَحِّدِينَ أَ فَتَرَى أَنَّ مَنْ لَا يَجُوزُ شَهَادَتُهُ فِي الدُّنْيَا عَلَى صَاعٍ مِنْ تَمْرٍ يَطْلُبُ اللَّهُ شَهَادَتَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ يَقْبَلُهَا مِنْهُ بِحَضْرَةِ جَمِيعِ الْأُمَمِ الْمَاضِيَةِ كَلَّا لَمْ يَعْنِ اللَّهُ مِثْلَ هَذَا مِنْ خَلْقِهِ يَعْنِي الْأُمَّةَ الَّتِي وَجَبَتْ لَهَا دَعْوَةُ إِبْرَاهِيمَ كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ وَ هُمُ الْأُمَّةُ الْوُسْطَى وَ هُمْ خَيْرُ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ»[[1]](#footnote-1).

حضرت فرمود مراد از این آیه احاد مسلمانان نیستند زیرا آنان مرتکب جنایت هایی برزگی همچون جریان عاشورا شده اند، بلکه مراد انسان های برگزیده در میان آن امت یعنی ائمه اطهار (ع) است که الگوی دیگران می باشند. این تاویل آیه و بیان حقیقت آن است.

اما راهکار اهل بیت (ع) در بهره گیری از قرآن کریم چیست؟ امیرالمومنین (ع) در این باره این راه کار به بیان فرمودند: «يُصَدِّقُ بَعْضُهُ بَعْضاً». از سوی دیگر اهل بیت (ع) در مواردی که تلاش بشر او را به فهم نمی رساند، تفاصیل آیات را بیان می فرمایند. بنابراین نیاز ما به اهل بیت (ع) در تفسیر قرآن کریم در سه بخش است: روش شناسی فهم قرآن و دیگری بیان تفاصیل احکام دینی از سوی آنان و سوم بیان باطن و حقیقت قرآن است. قرآن کریم درباره خود می فرماید: «إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَريمٌ . في‏ كِتابٍ مَكْنُونٍ . لا يَمَسُّهُ إِلاَّ الْمُطَهَّرُون‏»[[2]](#footnote-2) و در آیه تطهیر مصداق مطهرون را اهل بیت (ع) بیان کرده است. این مساله از حدیث ثقلین نیز بدست می آید.

بیان چند نکته

1. نکته ای در مورد کتاب «الصواعق المحرقه»

ابن حجر مکی کتابی به نام «الصواعق المحرقه» یعنی صاعقه های سوزنده دارد . وی این کتاب را در رد شیعه نوشته است، اما از عجایب اعجاز گونه است که با اینکه وی می خواسته شیعه را رد کند اما به بیان حقانیت شیعه پرداخته است. وی در باب یازدهم کتاب درباره اهل بیت پیامبر (ص) سخن گفته و 14 آیه آورده است که از جمله آنها آیه صلوات و آیه «وقفوهم انهم مسئولون» است. وی بعد از بیان این آیات و روایات دیگر در مورد اهل بیت (ع) گفته است ما اهل سنت در حقیقت پیروان اهل بیت هستیم نه شیعه.

2. استناد نظریه به عالمان مذهب

در مورد استناد یک نظریه به عالمان یک مذهب نمی توان به کتب حدیثی آنها استناد داد مگر اینکه گفته شده باشد تمام احادیث آن کتاب صحیح است مانند صحیحین. بنابراین در مورد اینکه آیا عالمان شیعه قائل به تحریف قرآن هستند یا نه نمی توان به وجود چند روایت در این باره در کتب حدیثی استناد جست بلکه باید به کتاب هایی که این مساله را به صورت علمی مورد بررسی قرار داده اند مراجعه شود. و الا اگر قرار باشد بر اساس روایات، استناد تحریف به شیعه صورت گیرد، روایات اهل سنت در این باره بیشتر است. بنابراین همان گونه که عالمان اهل سنت آن روایات را توجیه می کنند عالمان شیعه نیز روایات وارده در این زمینه در منابع خویش را توجیه می کنند.

3. مواجهه با احادیث مختلف

ما با این واقعیت مواجه هستیم که با احادیث مختلفی از جهت معنا و دلالت روبروایم که برخی از آنها از باب تقیه و برخی به صورت جعلی در منابع ما وارد شده است. اما می توانیم بر اساس معیاری که خود اهل بیت (ع) به ما داده اند به داوری و تشخیص در میان آنها دست بزنیم .

4. تقدم اهل بیت (ع) بر قرآن یا بالعکس

اینکه آیا اهل بیت (ع) مقدم و برتر بر قرآن هستند یا بالعکس مساله ای ذو جهات است. گاه اهل بیت (ع) خود را فدای قرآن و دین می کنند کما اینکه امام حسین (ع) با آن همه سختی مواجه شد تا قرآن و اسلام باقی بماند. و گاه همانند جنگ صفین وقتی که دشمن قرآن را بر سر نیزه نموده است امام علی (ع) می فرماید من قرآن ناطق هستیم و اینها پاره هایی کاغذ بیش نیست. به بیان دیگر گاه اصل کتاب و دین در حال از بین رفتن است و گاه قرآن و دین مورد فتنه قرار گرفته اند. در عالم ملکوت نیز به جایی می رسیم که حقیقت قرآن و نفس پیامبر (ص) یک حقیقت می شود و وحدت پیدا می کند در این صورت دیگر دوئیتی نیست تا با هم مقایسه شود. این وجود بسیط و واحد وقتی به عالم کثرات می آید یکی کلام مکتوب می شود و یکی کلام نفسی. بنابراین مساله ذو جهات است و باید همه جهات آن را در نظر گرفت .

5. تقدم قرآن بر روایات یا بالعکس

این مساله نیز ذو جهات است. قرآن کریم از جهتی معیار تشخیص روایات صحیح از سقیم است و روایات نیز از جهتی مفسر و مبین قرآن کریم هستند.

اشکال دوم

ابومریم اعظمی در اشکال دیگری می گوید طبق حدیث ثقلین قرآن و عترت مطرح است در این صورت سنت کجا رفته است؟ آیا سنت محو و تعطیل شده است و یا عترت مقدم بر آن شده است؟ نکته دیگر اینکه هرگاه رسول خدا (ص) سهو می کرده است در این صورت چگونه می گویید ائمه اطهار (ع) که در درجه پایین تر قرار داشتند معصوم بوده و مرتکب سهو نمی شدند.

نقد و ارزیابی

عالمان شیعه معتقد هستند که اهل بیت (ع) ترجمان کتاب و سنت هستند. آنچه آنان بیان می کند در حقیقت کشف از سنت است. آنان هرگز مطلبی را در عرض سنت بیان نمی کنند بلکه آنچه می فرمایند در طول آن است . روایات نیز همین مطلب را بیان می کند از جمله حدیث معروف : «انا مدینه العلم و علی بابها». درباره این حدیث یکی از عالمان برجسته اهل سنت کتابی جالب نوشته است که انتشارات دليل ما منتشر کرده است. کتاب «فتح الملک العلي بصحة حديث باب مدينة‌ العلم علي(ع)» نوشته احمد بن محمد صديق الغماري الحسيني الشافعي (متوفي 1380 ق) است . وي به چند روش صحت اين حديث را بررسي کرده است که از جمله آنها قاعده متابعات و شواهد است. اين کتاب آن قدر جالب است که علامه اميني در «الغدير» مي فرمايد: من با اينکه سن‌ام بالاست اما اگر وقت مي داشتم اين کتاب را حفظ مي کردم.

در کتاب اصول کافی ج1، کتاب فصل العلم، باب الرد الی الکتاب و السنه، ر4 این روایت آمده است که امام صادق (ع) فرمود: «ما من شی الا و فیه کتاب او سنه»: ما چیزی نداریم مگر اینکه حکم آن در کتاب و سنت آمده است. در روایت دیگر سماعه بن مهران می گوید: از امام صادق (ع) سوال کردم «أ کل شی فی کتاب الله و سنه نبیه او تقولون فیه»: آیا حکم همه چیز در قرآن و سنت پیامبر (ص) آمده است یا شما اهل بیت (ع) نیز چیزی می گویید؟ حضرت فرمود: هر چه هست در کتاب و سنت پیامبر است.

﴿.....﴾ اللهم صل علی محمد و آل محمد

کافی = /http://lib.eshia.ir/11005/2/255

بحار= http://lib.eshia.ir/71860/13/100/

المیزان = /http://lib.eshia.ir/12016/19/100

نهج البلاغه: http://lib.eshia.ir/10419/1/335/

المراجعات = http://lib.eshia.ir/72035/1/82

المراجعات، علامه شرف الدین، ص، ط: المجمع العالمی لاهل بیت (ع)

سوره بقره، آیه 14.

سوره بقره، آیه 14 و 15.

سوره بقره، آیه 14 تا 16.

1. بحارالانوار، علامه مجلسی، ج23، ص350 [↑](#footnote-ref-1)
2. سوره واقعه، آیه 77 تا 79 [↑](#footnote-ref-2)